



کردند و طاقت سوزاندند و مقالات کوتاه و بلندی رارقم زدند. به گرمی و فروتنانه می فشاریم و تداوم این یاری را آرزو مندیم.

دوم:

صدمین شماره را در اختیار خامه شما گذاشته ایم، صفحات آن را برای دیدگاه ها، اظهار نظرها، راهنمایی ها، نقدهای شما گشوده ایم، فروتنانه در ضمن نامه ای بلند و با گفت و گوهای حضوری و ... خواسته ایم بنویسید، نقد کنید، راهنمایی خود را در هر قالبی که مصلحت می دانید: نامه، مقاله و ...، عرضه کنید و با این همه بانیان مجله را بنوازید و از چگونگی ها و چه سانی ها سخن به میان آورید، از آرزوها و آرمان های کوتاه و بلند خود پرده بردارید و از چگونگی پژوهش بنویسید، و پسند و ناپسند خود را در این صد شماره گزارش کنید و ...

به واقع در شماره صد بنا بوده و هست که «آینه پژوهش» خود را در صافی آینه حقیقت نمای بنان و بیان شما بنمایاند و چه و چه های آن را نشان دهد و چین و چروک های صورتش را برای اصلاح شناسایی کند و بشناساند. بانیان آینه پژوهش هیچ کس را چونان شما مخاطبان، خوانندگان، نویسندگان و تولید کنندگان و سامان دهندگان صفحاتش «امین» نمی دانند و سخن شما را هر چه باشد، گرچه «قدح» و «جرح» و «طعن»، بر دیده می نهند. سوگمندانه آن شماره بهنگام سامان نیافت و اکنون مراحل نهایی اش را می گذراند که با آن همه که گفته آمد و اقتراح مهم و همراه با پاسخ استادان و محققانی چند نشر می یابد، بخته و کر مه.

سوم:

پژوهش در فرهنگ انسانی جایگاهی بلند دارد و در نگاه دین نیز از مکانتی رفیع برخوردار است. امیر بیان و ولی مؤمنان علی (ع) فرمود: «لاسنه افضل من التحقیق؛ هیچ شیوه ای به پایه استواری نمی رسد» (غرر الحکم ۶/ ۳۸۱). استوار اندیشیدن،

## سخن آغازین

یکم:

خداوند کارساز و بنده نواز را سپاسگزاریم که توفیق پیدا و پنهانش را رفیق ساخت و با عنایت و بنده نوازی گره های راه را برگشود و بانیان این مجموعه را چنان نواخت که توانستند صد شماره مجله را در پیشدید «ارباب معرفت» و جست و جوگران حقیقت و دانشوران و صاحبان فضیلت قرار دهند. راستی را بدون هیچ گونه گزافه گویی و مجامله نگاری باید بگویم که این همه چنان است که شاعر گفت:

یری الناس دهنأ فی قواریر صافیا

و لم تدر مایجری علی رأس سمس

اما بانیان هرگز در خویشتن خویش به غرور نمی نگرند و نشر این همه آنان را نمی فریبد و از بن جان بر این باورند که اگر «قبیله قلم» و فرهیختگان سخت کوش و ارجمند و بسیاری از فاضلان ناشناخته اما فرهیخته و سخته گوی و پخته نویس از اینجا و آنجای کشور عزیزمان، فراخوان ما را لبیک نمی گفتند و با نگاشته های ارجمند و نقدهای سودمند و پژوهش های کارآمد یار و مددکار ما نمی گشتند، هرگز و هرگز آنچه چهره بسته سامان نمی یافت و این همه بر سپید کاغذ نمی نشست و سیاهه بلند و بالایی که امروز آن را در قالب فاخر صد شماره می نگریم، تحقق نمی یافت. پس پیشتر از هر چیز برای چندمین بار بانیان مجله سپاس خود را به محضر این بزرگان تقدیم می دارند و دست گرم و یاری رسان آنان را - که بدون توقع نان و خواستاری نام و نه برای به مثل «ارتقا» در فلان دانشکده! و بلند و بالا ساختن بسامد نگاشته های لازم در بهمان پژوهشکده قلم زدند، اندیشه وری

پژوهش رقم می خورد و نه با کمیت «کتاب‌ها» و تعداد «مقاله‌ها»! و چنانکه در سرمقاله یادشده بر خامه رفت، هرگز روا نیست که «از پرده برون افتد راز»، و دانسته آید که بسیاری از این مقاله‌ها چگونه بر خامه می رود و صفحات سپیدی گناه کاغذ چه سان سیاه می شود و تعداد مقالات استادانی انبوه می شود که شاگردان به اجبار، الزام و اصرار بر سر درس آن بزرگواران حاضر می شوند و از «تلف شدن» عمر و تباه شدن فرصت‌هایشان ناله می زنند و ...

و در این میان استادی و استادانی کارآمد که با کرسی درسی بس سودمند و شاگردپرور، با انبوهی از اطلاعات در رشته خود، بل در فرهنگ ملی و دینی، و آگاهی‌های سرشار مستند بر منابع کهن و پژوهش‌های جدید تهدید به اخراج می گردند؛ چون چند مقاله نداشته، کتابی ننگاشته و مطالبی چاپی را خطی و آن گاه چاپی نکرده‌اند و به همت والای «قیچی» و احکام و استواری «چسب»، نوشته‌ای را سامان نداده و در مجله و یا مجلاتی «نچاپیده» اند و ... باری، شرح این قصه آکنده از غصه را؛ «این زمان بگذار تا وقت دگر».

#### پنجم:

بانیان «آینه پژوهش» امیدوارند که مجموعه‌ی پایید و در میان نشریات فراوان و مجلات بسیار کشور پیش رود، و امیدوارند همگان‌های بسیاری بیابند و نقد چنان که در درآمد شماره صد آمد، معمولی تلقی گردد و چهره خوفناک آن زدوده شود و حالت خصم‌گنانه آن سترده گردد و همگان بدان به گونه متمم کار خویش بنگرند و نه شکننده و در هم کوبنده و حیثیت‌رباینده و ...، جامعه کتابخوان نیز خوب همین گونه ببیند و برای نقد چنین حساسی باز کنند و بدانند جز در مواردی بس اندک - و به لحاظ چه و چه‌هایی - به نقد نهادن کتابی، تحقیقی، اثری و ترجمه‌ای نشانی است از شایان توجه بودن آن ترجمه و بیانگر آن است که کتاب ارج و ارزش مطرح شدن را دارد. و آن تحقیق شایسته گفت و گو کردن هست و آن اثر در حدی است که می‌سزد بدان وقتی صرف شود و سرمایه‌ای خرج گردد. اکنون و از پس سال‌ها، تردیدی نداریم که تا حدود زیادی چنین شده است، باید بیشتر و بیشتر شود، ایدون، ایدون، ایدون تر باد!

والی من وراء القصد

سرمبیر



استوار گفتن، پخته نگاشتن سخته سامان دادن و ...». رسول‌الله (ص) فرمود: ... و لکن الله یحب عبداً اذا عمل عملاً احکمه؛ ... خدا بنده‌ای را دوست دارد که چون کاری انجام دهد، آن را درست و استوار به انجام برساند؛ یعنی از باری به هر جهت کاری، نااستواری پرهیزد، شلختگی، نااستواری و ناهنجاری را در کار برنتابد، با استوارسازی و با احکام و استحکام و برنامه و دقت در کار پیش رود و ...

اکنون نیز می‌شنویم که مسئولان و متصدیان امور از افزایش بودجه پژوهش سخن می‌گویند و آهنگ ایجاد و یا بازگشایی پژوهشکده‌ها را دارند و پی در پی بر پیشانی ساختمان‌هایی عنوان‌های پژوهشکده فلان ... و پژوهشگاه بهمان می‌نشیند، اما چه مقدار از این همه هیاهو و کشش و کوشش‌ها، بنیادین و واقعی هستند؟ آیا کسی فرآیند این همه و برآیند آن همه و نتایج آنچه را که گفته شد به بررسی نشسته و جریانی یا ارگانی گزارشی مستند ارائه داده است که چه شده است و چه می‌شود و چه خواهد شد؟ صاحب این قلم نه سیاه‌انگار است و نه سیاه‌بین؛ برعکس بسیار خوش‌بین است و سپیداندیش و سفیدنگر، اما پردغدغه و بسیار اندیشناک و چون در همین مجله دست کم با میراث مکتوب در حوزه دین و بخشی از علوم انسانی سروکار دارد، کمابیش می‌تواند بگوید که اگر امیدوارانه و با توجه به واقع‌صادق امکانات و ابزار و نیروی انسانی و ... و توجه به چیزهایی، مسائلی و ... از فرآیند «مقبول» پژوهش‌ها نتواند سخن گفت، از برآیند «مطلوب» نه.

#### چهارم:

بسیاری از فاضلان و دانشوران به بانیان «آینه» توصیه کرده‌اند و سفارش می‌کنند که «آینه پژوهش» برای قرار گرفتن در لیست مجلات علمی - پژوهشی کشور اقدام کند و برای این توصیه و سفارش اکید، غالباً توجیه‌ها، دلایل و امتیازاتی را برمی‌شمرند که بانیان مجله نیز بر آن همه واقف‌اند، و شاید چنین کنند؛ اما افزون بر آنچه در سرمقاله و یا درآمد شماره صد آوردند، آرزو می‌کنند که ای کاش حد و حدود پژوهشی بودن مجلات «نمره‌ای» نبود و «مشک آن می‌بود که خود می‌بویید» و «نه آنکه عطار» می‌گفت، و استادان، عالمان، فاضلان می‌دانستند که جایگاه علمی، پژوهشی، استادی و ... آنها با حضور جدی و کارآمد آموزشی، پژوهشی، استادی، شاگردپروری، دانش‌گستری و نقش‌آفرینی آنان در صحن دانشگاه و صحن اجتماع، میدان علم و گستره